

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

۲۲ فبروری ۲۰۱۴

۴

۲- پیدایش نهضت کمونیستی

در جنوری ۱۹۲۵ دار و دسته زوغو اعلام جمهوری کرد و احمد زوغو را به ریاست جمهور برداشت. سپس در سپتمبر ۱۹۲۸ جمهوری به موناشری بدل شد و زوغو خود را پادشاه البانی ها خواند.

وضع فلاکت بار اقتصادی و اجتماعی در رژیم زوغو

رژیم زوغو در همه حال دیکتاتور درنده ضد دموکراتیک مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی ارتجاعی بود. پشتیبانان داخلی رژیم زوغو عبارت بودند از مرتجعان کشور: مالکان ارضی بزرگ، بورژوازی بزرگ تجاری، بورژوازی روستائی و بیرق داران در مناطق کوهستانی. در مدت ۱۵ سالی که رژیم زوغو بر سرکار بود این نیرو ها، پایگاه اجتماعی او را تشکیل می دادند.

زوغو هیچ گاه از اجرای سیاست داخلی و خارجی ضد خلقی و ضد ملی باز نایستاد. دیکتاتوری زوغو، مناسبات فئودالی موجود را دست نخورده نگهداشت، استثمارگری مالکان بزرگ ارضی و سرمایه داران را تقویت کرد، و سیستم کاملی برای غارت توده های خلق به وجود آورد. دیکتاتوری زوغو تکامل اقتصادی و فرهنگی را جلو گرفت و کشور را در عقب ماندگی و بی فرهنگی نگهداشت.

زوغو هر دستگاه دموکراتیک و هر آزادی دموکراتیک را بر انداخت، ایجاد احزاب و سازمان های سیاسی را ممنوع کرد، هرگونه کوشش در راه آزادی عقیده و سازمان را در هم شکست، با شیوه های ارباب حکومت کرد و به نام ضد کمونیست ها با هر اندیشه مترقی به مبارزه برخاست.

دستگاه ستمگری رژیم از سر تا پا پوسیده بود. به ویژه بر نیرو های مسلح مزدور، بر ژاندارمری و پولیس تکیه داشت. ارتش با خصلت عمیقاً ضد توده ئی اش فقط به این منظور ساخته شده بود که از قدرت سیاسی مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی در برابر طغیان توده های زحمتکش پاسداری کند. تمام نیرو های مسلح به وسیله بیگانگان، به وسیله عمال امپریالیسم سازمان می یافت و رهبری می شد.

دار و دسته زوغو که از بی ثباتی حکومت خویش آگاه بود دست استعانت به سوی دول امپریالیستی دراز کرد. نخست یوگوسلاوی را که به او در نیل به قدرت کمک کرده بود با واگذاری بخشی از سرزمین البانی پاداش داد و سپس با ایتالیا و انگلستان، دو دولت بزرگ امپریالیستی که به طور عام در بالکان و به طور خاص در بهره برداری از ثروت های زیر زمینی البانی، بیش از همه ذینفع بودند، نزدیک شد.

زوغو در قبال دولت های سرمایه داری خارجی سیاست «در های باز» اجراء می کرد. این سیاست به تدریج متبلور شد در استقرار روابط نزدیک سیاسی و اقتصادی با ایتالیای فاشیست که از هیچ کوششی در راه تحمیل نفوذ مطلق خویش بر البانی خودداری نمی ورزید. روابط مذکور راه را بر استعمار فاشیستی گشود و گروه های مالی ایتالیا «بانک ملی البانی» و سیوا (شرکت احیاء و عمران البانی) را به منزله ابزار اسارت اقتصادی و سیاسی البانی تأسیس کردند و بر معادن عمده، قسمت اعظم امور ساختمانی دولتی، گمرکات، و عملاً بر تمام تجارت خارجی کشور دست انداختند. سرمایه ایتالیایی در صنایع سبک نیز رخنه کرد. در ۱۹۳۸ مجموع سرمایه گذاری های ایتالیایی در البانی بر ۲۸۰ میلیون فرانک طلا بالغ میبشد و حال آن که بودجه سالیانه کشور به زحمت از ۲۸ میلیون فرانک طلا در می گذشت. وام هایی که دولت روم با بهره سنگین به دار و دسته زوغو می داد و قبل از هر چیز در راه افزایش ثروت خصوصی شاه و اطرافیان به کار می رفت همین هدف های غارتگرانه را داشت. سرمایه ایتالیایی که به این طریق فرمانروای واقعی اقتصاد ملی البانی شده بود کشور البانی را به صورت بازار کالا های صنعتی خویش و منبع مواد خام برای اقتصاد خویش در آورد.

موافقتنامه اقتصادی که راه را بر رخنه سرمایه ایتالیایی می گشود پیمان های سیاسی در پی داشت، از آن جمله پیمان هایی که در ۱۹۲۶ - ۱۹۲۷ در تیرانا منعقد شد و این حق را به ایتالیا می داد که حتی به وسیله اسلحه از رژیم زوغو در برابر حملات داخلی و خارجی دفاع کند. این پیمان ها دار و دسته زوغو را گوش به فرمان ایتالیای فاشیست گردانید و البانی به این طریق به صورت نیمه مستعمره امپریالیسم ایتالیا در آمد.

نفوذ سرمایه خارجی در البانی باعث شد که اقتصاد کشور خصلت یک جانبه بگیرد. سیاست مستعمراتی ایتالیا، بقایای زنده فئودالی و فقدان سیاست اقتصاد ملی که محرک اقتصاد باشد، همه این علت ها باعث شد که البانی در واقع عاری از صنعت بماند. در ۱۹۳۸ در البانی قریب ۳۰۰ کارخانه کوچک و کارگاه وجود داشت که غالباً آرد سازی و روغن کشی و مانوفاکتور دخانیات بودند و کارشان به طور عمده تبدیل محصولات کشاورزی بود. قریب نیمی از آنها کمتر از ۱۰ کارگر داشتند. در این کارخانه ها و کارگاه ها و در معادن قریب ۷۵۰۰ کارگر کار می کردند. طبقه کارگر رشد یافته و در این زمان تقریباً به ۱۵۰۰۰ نفر رسیده بود ولی در پراکندگی به سر می برد و به شکل های ابتدائی تولید وابستگی داشت. بخش مهمی از کارگران را شاگردان پیشه ور ها و شاگردان کسبه تشکیل می دادند. بیکاری پر دامنه و فقدان هرگونه قانون کار، به شرکت ها و سرمایه داران امکان می داد که به کمک دستگاه دولتی به استثمار بیرحمانه کارگران بپردازند. در بنگاه هایی که هم کارگران البانی و هم کارگران خارجی را استخدام می کردند البانی ها دچار تبعیضات فاحش می شدند. دستمزد کارگر ایتالیایی در مقابل کار مساوی چندین برابر کارگر البانی بود.

مناسبات سرمایه داری در کشاورزی نیز تا حدی توسعه یافت. رواج قطعه قطعه شدن مالکیت بزرگ ارضی و فقیر شدن مداوم دهقانان کوچک باعث تقویت مداوم دهقانان مرفه گردید. معذک این دهقانان نتوانستند به صورت

بورژوازی پیش افتاده روستا در آیند. مناسبات سرمایه داری به ویژه در فرم های کشاورزی متعلق به دولت و همچنین در فرم هایی که شرکت های سرمایه داری ایتالیائی با سلب مالکیت از ده ها خانواده دهقان تشکیل می دادند، بسط یافت. فرم های مذکور چندین هزار کارگر روزمزد داشتند.

البانی در زمان حکومت زوغو همچنان عقب مانده ترین کشور کشاورزی اروپا باقی ماند. در ۱۹۳۸ قریب ۸۷ درصد جمعیتی که به تولید اشتغال داشت به کشاورزی می پرداخت و فقط ۱۳ درصد از آن در صنعت و سایر شاخه های اقتصاد ملی کار می کرد. تولید صنعتی و پیشه وری فقط ۹/۸ درصد تولید کل را تشکیل می داد و درآمد صنعتی ۴/۵ درصد درآمد ملی بود. شکل سرمایه داری اقتصاد که بنیادش به ویژه در بخش بازرگانی قرار داشت نمی توانست به صورت شکل مسلط در اقتصاد ملی البانی در آید. مالیات ها سنگین و ورشکست کننده توده های وسیع مردم بودند. فقر و بینوائی در سراسر کشور حکمروائی داشت.

عقب ماندگی اقتصادی با خمودگی عمیق فرهنگی همراه بود. بیش از ۸۰ درصد مردم بی سواد بودند. تعداد مدارس بسیار کم بود. آموزش عالی و مؤسسات فرهنگی و علمی به هیچ وجه وجود نداشت. هیچ توجهی به تندرستی مردم که پیوسته دستخوش بیماری های خانمان بر انداز بودند، نمی شد.

ادامه دارد...